



مجموعه مراکز مذهبی، آرامگاهها و مقابر، بیش از هر نوع بنای معماری در ایران، در گذشته و حال مورد توجه عامه مردم بوده و هست دلیل این توجه تقدسی ست که در این مراکز مذهبی نهفته است. از زمان طلوع دین مبین اسلام در ایران مشاهده می کنیم که کمتر شهر و یا روستایی ست که امامزاده و زیارتگاه و مقبره آرامگاهی در آن نباشد. مقابر و آرامگاهها نیز مانند مساجد که بیشترین آثار برجای مانده از معماری دوران اسلامی هستند، به دلیل توجه مردم و تقدس این بناها از آسیبهای جوی در امان مانده و هر بار مردم مشتاقانه برای مرمت آنها کوشیده اند و پادشاهان و حکمرانان نیز برای جلب توجه مردم، در احیا و مرمت این گونه بناها سعی کافی مبذول داشته اند. چنانچه بیشتر بناهای مذهبی ایران در دوره های اسلامی بازسازی و نوسازی شده اند.

زیارتگاهها و آرامگاههای ایران به شرح زیر تقسیم بندی می شوند:

۱. زیارتگاهها و مقابری که منتسب به فرزندان و اقوام نزدیک امامان معصوم اند مانند: آستانه حضرت معصومه (س) خواهر حضرت امام رضا (ع) در قم، زیارتگاه شاه چراغ برادر حضرت امام رضا (ع) در شیراز، شاهزاده حسین در قزوین و مرقد سلطان علی بن امام محمد باقر (ع) در اردبیل کاشان و تعداد زیادی امامزاده که در شهرها و روستاهای ایران مدفون هستند.

۲. زیارتگاهها و مقابری که مخصوص اهل علم و فضیلت و نام آوران دینی و مذهبی و یاران ائمه اطهار اند، مانند: خواجه ربیع و خواجه اباصلت در مشهد، شیخ صدوق (ابن بابویه) در شهر ری، آرامگاه حافظ و سعدی در شیراز و آرامگاه شاه نعمت الله ولی در ماهان کرمان.

۳. آرامگاههایی که مخصوص پادشاهان، امرا و حکام و فرمانروایان ایران است مانند: گنبد کاووس یا قابوس (مقبره قابوس بن وشمگیر از پادشاهان آل زیار) در شهر گنبد کاووس در استان گلستان، مقبره طغرل سلجوقی (برج طغرل) در شهر ری و گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان که در کنار و چسبیده به آن در محلی به نام «تربت خانه» مقبره سلطان محمد خدابنده (اولجایتو از پادشاهان مغول) واقع است. اما قدیمی ترین مقبره تاریخ دار مربوط به ایران، مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا است. این تک بنا سرشار از آجرکاریهای متنوع است که مانند حصیر به هم بافته شده و گنبد آن شبیه گنبدهای ساسانی است.

۴. برخی از اماکن مقدس به دلیل وجود آثاری که در آنهاست موجب تبرک و تیمن گشته اند، مانند زیارتگاه قدمگاه در نزدیکی نیشابور و زیارتگاه جمران در نزدیکی قم.

این بناهای مرتفع، شاید نشانه های شهری بوده و به جای میلها و منارها کاربرد داشته اند. طرح و نقشه این بناها دایره و مربع و بیشتر چندضلعی می باشد. بسیاری

آرامگاه‌های یادبودی در معماری اسلامی

مهندس سعید سلیمانی*



بی شبهه، یکی از شاخصترین انواع بناها در معماری اسلامی آرامگاه یادبودی است. هزاران جهانگرد از تاج محل یا مقابر معظم سلاطین مملوک در قاهره دیدار می‌کنند و هر مسافری که شمال آفریقا یا خاور نزدیک را درمی‌نوردد، در امتداد راهها، برفراز تپه‌ها، در گورستانهای شهرها و روستاها، و حتی گاهی در کشتزارها، صدها عبادتگاه کوچک را، که معمولاً مدفن یک قدیس یا قهرمان تلقی می‌شوند، یا محل وقوع عملی خطیر یا فراموش گشته به شمار می‌روند، مشاهده می‌کند. این بناها اعم از آن که اثر خام دستانه‌ی روستایی باشند یا اثر نفیس هنرمندانه، اسامی گوناگون دارند. ممکن است، به لحاظ شکل غالبشان «قبه» یا «گنبد» به اعتبار رایج‌ترین عملکردشان «تربت»، یا در اشاره به مفهوم دینی و مذهبی شان «امامزاده» نام داشته باشند. یا به مناسبت ارتباطشان با یک قدیس قهرمان، به «مقام» شهره باشند، یا در اشاره به مکان یک واقعه‌ی مهم «مشهد» خوانده شوند و مفهوم راستین شهادتگاه از آنها مستفاد گردد. گهگاه نیز نامهایی چون «قصر» یا «درگاه» در موردشان به کار می‌رود و فوراً این اسامی که تاریخچه و سرچشمه‌ی دقیق آنها هنوز جای مطالعه دارد، جلوه‌های بیشماری را که بنای یادبودی در ذهن مسلمانان دارد متصور می‌سازند.

بناهای یادبودی یک پدیده‌ی اخص اسلامی نیست. استوپا^۱های هندیه منظور تجلیل از بقایای مقدس بودایی ایفای نقش می‌کردند؛ اکثر تمدنهای خاور نزدیک به ایجاد انواع آرامگاهها پرداختند؛ به ندرت می‌توان شاخه‌ای از هنر اسلامی را یافت که شکلهای کامل شده‌ی دیرین را بدون دگرگون کردن قالب محتوای آنها به کار گرفته باشد. بناهای اولیه‌ی هنر اسلامی، در عین غرقه بودن در نقشه‌ها و روشهای ساختمانی تزئینی ساسانی و به ویژه بیزانسی، مشکل می‌توانند بیزانسی یا ساسانی نگریسته شوند؛ این ابنیه، چه از حیث هدفشان و چه از دیدگاه رابطه‌ی اجزایشان با یکدیگر، تازگی دارند واز نیازها یا سلیقه‌های تازه حکایت می‌کنند. معمولاً بناهای یادبودی تنها هنگامی برپا گشته‌اند که چهره‌ای از فرهنگ نوپای اسلامی به وجهی تکامل یافته بوده که این شیوه‌ی بیان را طلب می‌کرده یا مجاز می‌داشته است. از این رو، این واقعیت که آرامگاههای یادبودی در جهان پیش از اسلام وجود داشته‌اند؛ به خودی خود وجود این گونه ابنیه در دوره‌ی اسلامی را توجیه نمی‌کند. با توجه به نگرش اولیه‌ی اسلامی در قبال آرامگاهها، به نظریه‌ی عبور مستقیم از عملکردها و هدفهای دوره‌ی پیش از اسلام به عملکردها و هدفهای دوره‌ی اسلامی مربوط می‌شود. تنها در ایران دوره‌ی اسلامی است که ایجاد مقبره‌ها و زیارتگاهها از چنین سابقه‌ی طولانی و ویژگیهای معماری منحصر به فرد و تزئینات با شکوه برخوردار است. این گونه بناها به نامهای برج، گنبد، بقعه و مزار نیز معروف شده‌اند (مانند: برج رادکان، گنبد قابوس، بقعه شیخ صفی).

*کارشناس ارشد مرمت بناها و بافت‌های تاریخی

برج‌های باقیمانده سلجوقی تنها برج ری در این کیفیت خاص از گنبد قابوس تبعیت می‌کند. هیچکدام از نمونه‌های مذکور در ارتفاع قصد تبعیت از گنبد قابوس را نداشته‌اند و بنظر می‌رسد اجزاء ترکیب‌کننده فرمول قابل‌تغییر بوده‌است. قطربرجها اغلب افزایش یافته و در ارتباط با نشانه دیگر یعنی کاهش ارتفاع، ایجاد یک تغییر بنیادی در تناسبات نسبی بین عرض و ارتفاع غیر قابل‌اجتناب به نظر می‌رسد. نکته حائز اهمیت این است که برج‌های بعد از گنبد قابوس بیشتر ارتفاع خود را به صورتی سهل، یعنی بجای گذاشتن ستونهای ساده زیاده‌تر ساخته‌اند.

به نظر می‌رسد افزایش تعداد دندانها نمی‌تواند از حد معینی تجاوز یابد. چنانچه به عنوان بالاترین رقم امامزاده عبدالله را داریم که با ۴۴ دندان طرح ریزی شده است و این حدنهائی است نسبت به ده دندانهای که در گنبد قابوس دیده می‌شود. برج مهماندوست دامغان با دوازده دندان ظاهرًا بطور کامل پیرو طرحی است که بوسیله گنبد قابوس ارائه شده است. برج‌های بسطام، ورامین و دماوند به ترتیب باسی، سی و دو و سی و سه دندان در حدواسط قرار گرفته‌اند. در برج علی آباد کاشمر که ظاهرًا قرن ۸ تاریخگذاری شده تجمعی از ستونچه‌های نیم مدور با پره‌های ستاره‌ای بصورت متناوب قرار گرفته‌اند. در برج رادکان شرقی با تاریخ ۶۸۰ هـ. ق درنمای خارجی سی و شش نیم ستون روی پایه دوازده ضلعی ساخته شده است. هر دو این برجها با انواع ستاره‌ای با تاکید بر برهنگی و عاری بودن از تزئینات که ویژه گنبد قابوس است تفاوت زیادی دارند. علاوه بر آن در عمق دندانها نیز تغییرات نسبی ایجاد نموده‌اند دندانهای برج‌های ری، ورامین، بسطام و دماوند هر کدام سه آجر عمق دارند. ورودی کوچک و ساده یادآور ورودیهای برج‌های اولیه نظیر گنبد قابوس (۳۹۷ هـ. ق) و رادکان کردکوی (۴۰۷ هـ. ق) می‌باشد در حالی که ورودیهای برج‌های آرامگاهی شناخته شده در زمانهای بعد (قرنهای ۶ و ۷ هـ. ق) با قابهای تزئینی و نوارهایی از کتیبه یا تزئینات مورد تاکید قرار گرفته‌اند.

تعدادی برج‌های جالب و غالباً زیبا در سراسر مازندران و در میان کوه‌های البرز پراکنده‌اند که اغلب با مسجدی همراه هستند. آنها با وجود سبک روستایی شان اغلب به جهت سادگی خود کاملاً جذاب هستند. این بناها اغلب با آجرهای قرمز محلی ساخته شده‌اند. گرچه برخی قهوه‌ای یا زیتونی یا حتی سفید کاری شده‌است. همه‌ی آنها موقر، عموماً عاری از خودنمایی و گاه دارای شکلی نیرومند است. شاید مقدم بر همه‌ی این برجها، توده سنگها یا ستونهایی بود که قبایل قدیم آسیای میانه، به یاد بود پیروزیهانشان بر می‌افراشتند. ولی منشأ نهایی آن درست نیرومند «جایگاه بلند» است. سنتی که در شرق کهن سابقه‌ای چندین هزارساله دارد و در ایران از دیرباز مورد توجه بوده‌است. نمایش ارزش غیر مادی، یعنی کانون دستیابی

به نیروی روحانی، با این بناهای یاد بود عالی بیدار می‌شد. در حدی که به هدف آرامگاه‌ها مربوط می‌شود، بودند در این جای شگفتی نیست که اکثریت قریب به اتفاق آرامگاه‌های اولیه در خدمت تاکید بر امکان مقدسه‌ی شیعی بود چرا که نفس تاکید بنیادی شیعیان بر تعلق به تبار پیامبر و اهمیت عرفانی تسلسل امامان می‌تواند به وجهی طبیعی به پیدایش تمایلی به تبدیل مکانهای واقعی یا ادعا شده‌ی دفن یا حیات اعضای آن خاندان به زیارتگاه منتج گردد.

روشن است که اندیشه‌ی اولیه‌ی اسلامی هرگونه تجلیل معمارانه را در بنای مقابر محکوم می‌کرد. (نسویه القبور) برابر سازی گورها یا زمین پیرامون آنها، شایسته‌ترین بیان تساوی همه‌ی آدمیان در مرگ نگریسته می‌شود. تکریم قبور یا برپایی مراسم در پیرامون آنها ناشی از عادات ناشایست مسیحی و یهودی تلقی می‌گردید. از همان آغاز، منع مزبور به مخالفت با سنن کهنتر رفتار برمی‌خاست. حکایات بی شماری موجودند که نشان می‌دهند بعضی رسوم تدفینی، مانند دیدار از قبور، شیون و برافراشتن خیمه بر بالای مقابر، برپاداشتن ستونهایی در جوار آنها و نیز افشاندن آب بر گورها، با برجا ماندن، همه‌ی این رسوم از عادات پیش از اسلام مشتق شدند و به رغم کوششهای بسیاری که دست کم در سده‌های اولیه‌ی پس از هجرت، در جهت ممانعت از آنها به عمل آمد تا دوام یافتند. لیکن مثالهای کهن رسوم تدفینی و مخالفت با آنها به رفتار مربوط می‌شدند، نه بناها. پس اگر اسلام اولیه چنان به شدت با برافراشتن آرامگاهها و برپا داشتن مراسم پرستش در آنها و پیرامون آنها مخالفت می‌ورزید، پیدایش تدریجی هزارها آرامگاه و بقعه در سراسر جهان مسلمان به توجیهی دقیقتر از صرف بیان ادامه‌ی عادات و رسوم پیش از اسلام نیاز دارد. باید کوششی در جهت تعیین دقیق این که کجا، چه وقت، چگونه و چرا این نوع نوین بنا، که به ظاهر از شاخصترین انواع ابنیه‌ی اسلامی است، پدید آمد؛ به عمل آید.

برج آرامگاهی لاجیم (امامزاده عبدالله)

این برج در عداد بناهای دوره‌ی تسلط آل زیار بر طبرستان (۳۱۶ تا ۴۴۳) هجری است و به نام مقبره‌ی امامزاده عبدالله شهرت دارد. برج لاجیم در داخل از یک سقف مدور و در خارج از یک گنبد مخروطی ساده و ظریف پوشیده شده‌است. مدخل این بنای آجری در سمت شرق قرار دارد و پایه‌ی گنبد آن به وسیله‌ی یک ردیف طاقنا مزین گردیده و در زیر آن دو کتیبه به خط کوفی و پهلوی در روی هم قرار گرفته و به دور برج پیچیده است. این دو کتیبه با آجرهای تراشیده در زمینه‌ای از گچ سفید نصب شده و کتیبه‌ی کوفی نام کیا اسمعیل ابوالفوارس شهریار بن عباس صاحب بنا و

از بناهای مقابر، منفرد و تک بنا هستند و منحصرأز گنبد و فضای زیر گنبد که محل قبر و یا ضریح متوفی ست تشکیل شده است و الحاقات دیگری به بنا متصل نیست مانند مقبره ملا حسن کاشی در سلطانیه که گنبدی نار و زیبا دارد و بنای مقبره شیخ عطار در نیشابور و مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا؛ اما قسمت اعظم این نوع بناها، شامل برج مقبره ها هستند. نمای بیرونی اکثر این بناها معمولاً برج مانند و آجری است و گنبد خارجی تعدادی از آنها از میان رفته، مانند برج مهماندوست واقع در دامغان.

نمای بیرون این برجها اغلب با آجر، نماسازی و بدنه بنا به صورت مضرسی (ترک ترک) تزیین شده است تا از یکنواختی بنا کاسته شود. معمولاً کتیبه ای آجری و یا آجر لعابدار به صورت انواع خطوط کوفی در قسمت فوقانی بدنه بنا جایی که به لبه گنبد می رسد دور تا دور بنا مشاهده می شود که مضمون آن پس از درج آیاتی از کلام اللّه مجید، به نام متوفی و بانی و تاریخ بنا دلالت دارد مانند؛ برج مهماندوست در دامغان. از نمونه های این بناها برج رادکان کردکوی، برج لاجیم سوادکوه و رسکت دودانگه (ساری) است، که این هر سه برج تقریباً همزمان هستند.

از دیگر برجهای مقبره و معروف ایران، گنبد قابوس است. این بنا که در شهر گنبد کاووس در استان گلستان قرار دارد یکی از قدیمی ترین بناهای برج مقبره ای ایران و تاریخ آن مربوط به قرن چهارم هجری می باشد که در کتیبه ای آجری به خط کوفی در قسمت فوقانی بدنه برج و دور تا دور آن، نوشته شده است. این برج مدفن قابوس بن وشمگیر از پادشاهان آل زیار است که مردی ادیب و دانش پرور بوده است. اما تعداد زیادی آرامگاهها و مقابری هستند که از یک مجموعه معماری تشکیل شده اند. گنبد این نوع مجموعه ها معمولاً گنبد گرد (نار) است. در این مجموعه ها علاوه بر فضای زیر گنبد رواقهایی در اطراف گنبد وجود دارد که از آنها برای مراسم عبادی و عزاداری و حتی جشنهای مذهبی استفاده می کنند مانند: مجموعه آستان قدس رضوی، مجموعه حرم حضرت معصومه (س) و حرم سیدالکریم (شاه عبدالعظیم) در شهر ری و مجموعه شاه چراغ و...

معماری برجهای آرامگاهی

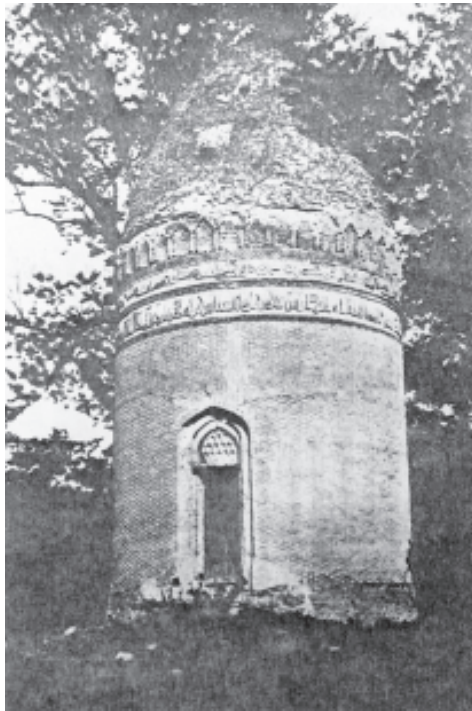
در مورد برج مقبره ها هاله ای از ابهام و عدم قطعیت پیرامون خاستگاه این نوع بنا را در بر گرفته است هر چند احتمالات زیادی ممکن است مورد بررسی قرار گیرد که شباهت آنها به چادرهای ترکی، معابد صابئین، برجهای نگهبانی چینی و برج آرامگاه های تدمری قابل ذکر است. به هر حال، دلایل متقاعد کننده ای را می توان در برابر هر یک از این سر مشق های مشهور به صف آورد. ولی با توجه به وضعیت کنونی دانش مان در این باره بهتر است که به نادانی اعتراف کنیم. به نظر می رسد که این جریان به طور اخص به دلیل

سادگی فوق العاده ای است که توسط نمونه های نخستین از این نوع ساختمان توجیه شده است. در خصوص مربع گنبد پوش، طولی نکشید که دستور ساخت اولیه ارتقا یافت. برج مقبره ها در یک توالی سریع با لبه ها، پاپیل ها و پشت بندهای گوشه ای ساخته شدند. در حالی که استوانه ساده به مقابر هشت ضلعی، شش ضلعی، ده دوازده ضلعی و دیگر انواع نماهای ستاره ای راه داد. استوانه ای رفیع با بامی گنبدی یا مخروطی شکل.

برج . مقبره . پلان هم کف آن هر چه باشد، به عنوان یک ممیزه اصلی تاکید بر ارتفاع صرف دارد که به میزان زیادی با تنگی نسبی فضای داخلی افزایش می یابد. نسبت عرض به ارتفاع معمولاً دامنه ای بین ۱/۵ تا ۱/۵/۸ دارد. ولی در ساخت مربع های گنبد پوش تمایل بیشتری وجود داشته که این مقدار تفاضل مشخص به مراتب کمتر باشد. به نظر روشن می آید که نخستین مقابر در جهان ایرانی مربعهای گنبد دار بوده اند. ولی در جریان اواخر قرن دهم از نظر مقبولیت تحت تاثیر برج . مقبره ها قرار گرفتند. در دوران سلجوقی همین شکل است که شکل مسلط را دارد. این برتری آن چنان حضور داشت که عملاً تمام انواع برج . مقبره ها را در فاصله ی ۳۹۰ . ۵۶۹ هجری می توان یافت . غالب این مقابر برای سپهسالار های خاندانهای کوچک و نظایر آن ساخته شد. برجهای آرامگاهی با گنبد قابوس آغاز و بین قرنهای ۸۰۴ ه. ق بسیار مورد توجه قرار گرفته اند.

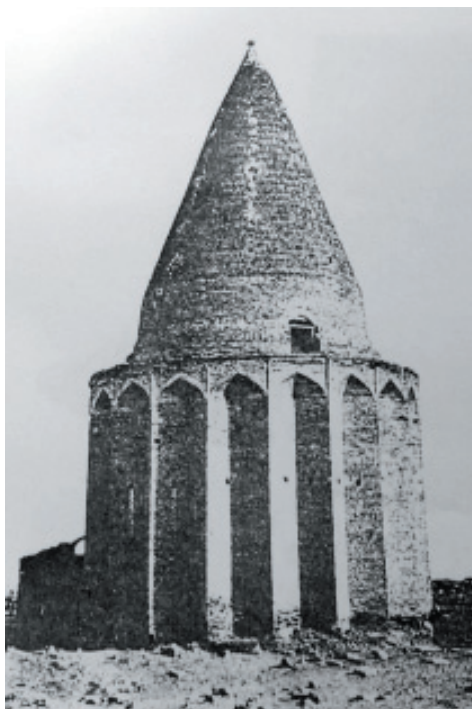
به طور کلی هویت ویژه برجهای آرامگاهی، استوانه ای با سقف مخروطی است. یک دایره یا یک دایره تغییر شکل یافته نقشه برجهای اولیه در شمال ایران است. همانند امامزاده عبدالله لاجیم، برج رسکت، دو برج دامغان (چهل دختران و پیر علمدار) و برج رادکان. علیرغم تداوم برجهای آرامگاهی مدور در آذربایجان، برجهای آرامگاهی مدور بتدریج بعد از قرن پنجم کمیاب می شوند برای شکستن یکنواختی سطح برجهای آرامگاهی استوانه ای، شیارها و یا طرحهای ستاره ای جایگزین می شود .

اولین گام در شکستن تداوم طرح دایره در گنبد قابوس دیده شده است که تاریخ ۳۹۷ ه. ق را دارد و تحول به نوع ستاره ای را نشان می دهد. گنبد قابوس یک دایره تغییر شکل یافته است، گرچه ممکن است در ابتدا پره ها برای بدست آوردن استحکام بیشتر در چنین بنای عظیم و با شکوهی طراحی شده باشند. اما به زودی جای خود را به عنوان عنصری تزیینی باز یافته اند. نقشه برج مهماندوست دامغان با تاریخ ۴۹۰ ه. ق یک چند ضلعی دوازده پر است که در نمای خارجی روی هر یک از اضلاع آن طاقما یی دارد و در هر یک از کنج ها پره ای است که تا دو سوم ارتفاع دیوار بالا می رود تا جایی که بالای دو ردیف طاقچه برج مدور می شود. گاهی یک دیوار چین خورده به طور کامل با چنین برجهایی ترکیب شده است، چنین برجهایی در ری، دماوند، ورامین و بسطام موجودند. از تمام



ما نتوانستیم نام شخصیتی را که « امر به بنای » این برج کرده بخوانیم. تاریخ و نام سازنده بنا به کمک آنچه باقی مانده است تقریباً بطور مسلم باز سازی شد : بسم الله الرحمن الرحيم هذا قبر القيم الكيا الجليل ابي الفوارس شهريار بن العباس بن شهريار مولى اميرالمومنين رحمه الله امر بينائه ... فى سنة ثلاث عشره و اربعمائه عمل الحسن بن على.

بنابراین برج لاجیم دقیقاً همزمان با برج رادکان غربی می باشد که ساختمان آن در ۴۰۷ هجری (۱۰۱۶، ۱۰۱۷ م) آغاز و در ۴۱۱ (۱۰۲۰، ۱۰۲۱ م) به پایان رسیده است. این بنا نیز به دوره ای تعلق دارد که در حد فاصل میان سقوط اولین سلسله و ظهور دومین سلسله سلاطین بوندی قرار دارد. طی این دوره که حدود هفتاد سال به طول انجامید (از ۳۹۷ تا ۴۶۶ هجری = ۱۰۰۶ تا ۷۴ تا ۱۰۷۳ میلادی) قابوس بن وشمگیر و جانشینانش (از دودمان آل زیار بر این خطه حکم می راندند ولی آنها فقط بر دشت حاکم بودند و با بوندیها در کوهستان پناه گرفته و در صدد باز گشت به قدرت بودند بنا به گفته این اسفندیار در دوران حکومت آل ارسلان (۴۵۵، ۴۶۵ هجری) اسپهبد قارن بن سرخاب تا اندازه ای توانست اقتدار خود را بر آنجا مسلط کند ، در حالی که تسلط خاندان وشمگیر بی وقفه رو به ضعف می رفت . بوندیها دقیقاً در این منطقه پرفراز و نشیب که در جنوب ساری ، پایتخت قدیمی آنها ، قرار داد اقامت گزیده بودند آرامگاه یکی از آنان یعنی اسپهبد ابو جعفر محمد بن وندرین بوند در رادکان و در همین منطقه قرار دارد و اکنون نیز موفق به کشف آرامگاه یکی دیگر از آنان آرامگاه کیا ابوالفوارس شهريار در لاجیم شدیم. پس از خروج از دره ای طولانی که به دره ای وسیعتر می پیوندد که ساری در پایین آن قرار گرفته، از طریق پرتگاهی باشیب تند به رسگت می رسیم . برج یاد شده در پایین این پرتگاه قرار دارد . این برج نیز از آجر ساخته شده ، مدور است با سقفی مخروطی که قطر قسمت داخل آن ۴/۵۷ متر است . لبة برج با ردیف مضاعفی از مقرنسهای آجری مزین به نقوش گچبری آذین شده است. در پایین این مقرنسهها کتیبه ای با شکوه بخط کوفی به کمک گچبری نقش شده است . دوسوم این کتیبه از میان رفته است . حروف کتیبه برنگ سفید بر زمینه ای به رنگ آبی جلوه گری می کند . مفاد کتیبه چنین است : «بسم الله الرحمن الرحيم . قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد . (سوره ۱۱۲) بسم الله الرحمن الرحيم کل نفس ذائقة الموت ... (سوره ی ۲۱ ، آیه ی ۳۶) [کذا فی اصل].



بالای در کتیبه دیگری که آن هم از گچ ساخته شده و بسیار آسیب دیده به چشم می خورد . این کتیبه شامل چهار سطر است که سه سطر اول و نصف از سطر چهارم بخط کوفی ریحان مشابه خط کتیبه فوقانی است و نیم دیگر از سطر چهارم بخط پهلوی است. متنی که بخط کوفی نوشته شده توسط خطی عمودی به دو بخش تقسیم شده که یکی آیات قرآنی و دیگری مطالب تاریخی است . خط عمودی دیگری نوشته های کوفی را از متن پهلوی جدا ساخته است . مفاد اوگین بخش از کتیبه که بخط کوفی احتمالاً چنین است : لا اله الا الله مخلصاً محمد رسول الله صادقاً این جملات نشانه ایمان به اسلام است که به آن کلمات مخلصاً و صادقاً اضافه شده است. گرچه این دو کلمه در نوشته ها کاملاً غیر معمول است ولی هنوز در ایران به هنگام بیان شفاهی شهادتین به منظور تحکیم و تأیید بیشتر به کار می رود. معنای کلمه ی اول « با خلوص قلب » و معنای کلمه ی دوم « با صداقت قلبی » است.

مفاد بخش تاریخی با این کلمات آغاز می شود : هذه القبه ... و بجز این چند کلمه چیزی بر جای نمانده که بتوان خواند . به ما گفتند که کلمات بعدی لهرمزد یار ... است . ولی قابل قبول نیست که نام کسی که این برج برای مزار او ساخته شده بدون ذکر القاب و عناوین و بلافاصله پس از کلمه ی

تاریخ آن را که ۴۱۳ هجری است مشخص می کند. اهمیت این برج مانند برج رسکت بیشتر از لحاظ دارا بودن کتیبه ی پهلوی در جوار کتیبه ی کوفی است که نشان می دهد در این بخش از ایران همان طوری که به هنر قبل از اسلام توجه داشته اند، به خط دوره ی ساسانی نیز علاقمند بوده اند. در فهرست بناهای تاریخی آمده است:

«برج لاجیم در قریه ی لاجیم سواد کوه ثبت تاریخی ۱۸۵، این برج آجری مدور که به نام مقبره ی امامزاده عبدالله شهرت دارد، دارای گنبد مخروطی شکل است که در نهایت ظرافت و سادگی ساخته شده است. در روی بدنه این برج، دو کتیبه ی آجری به خط پهلوی و کوفی نصب شده» مرحوم طاهری شهاب در گنجینه های تاریخی مازندران درباره ی برج تاریخی لاجیم چنین می نویسد: «بنایی استوانه شکل است که از داخل گنبد مدوری بر آن زده اند و از خارج بامی مخروطی بر این گنبد مدور ساخته اند. این برج که از آجر منقش ساخته شده، محیط قاعده ی آن ۲۶۸۰ سانتیمتر و قطر فضای داخل آن ۵۴۷ سانتیمتر است. دری شرقی به پهنای ۱۱۲ سانتیمتر دارد. قسمت بالای برج را با ناوهای کوچک زینت داده اند و زیر آنها دو کتیبه است که خطوط آنها از آجر تراش خوش رنگ است متن کتیبه ها سفید و گچ کاری است. خط کتیبه ی پهلوی را تاکنون نخوانده اند. کتیبه ی کوفی کامل و دست نخورده است. جز در طرف غرب که از سایش شاخ و برگ درختان فرسوده شده است. در این کتیبه نام القاب مدفون در این مرقد، درست خوانده می شود. فقط اسم شخصی که به دستور او این بنا ساخته شده است، روشن نیست. ولی از روی حدس و به قرینه اجزائی که از کلمات باقی است، این اسم با تاریخ بنا هم معلوم می شود. اصل کتیبه ی کوفی به ترتیب زیر است: بسم الله الرحمن الرحیم هذا قبر القیم الکیا الجلیل ابوالفوارس شهریار بن العباس بن شهریار مولی امیر المؤمنین رحمه الله امر ببنائه... فی سنه ثلاث عشر و اربعمائه. عمل الحسن بن علی.»

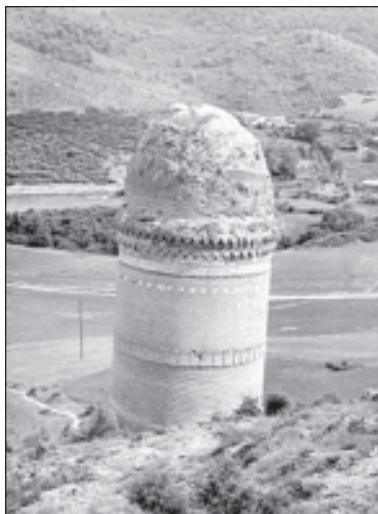
بنابراین کتیبه، گنبد لاجیم درست همزمان گنبد رادکان غربی است و متعلق به دوره ای است که فاصله ی سقوط نخستین سلسله ی باوندی و ظهور دومین سلسله ی این خاندان است. در این دوره ی فترت که قریب هفتاد سال دوام یافت (۳۹۷ تا ۴۴۶) تمام ناحیه ی دشت مازندران، در دست آل زیار بود. ولی زیاریان بر کوهستان دسترسی نداشته اند. بقایای دودمان باوندی در آنجا مأمّن گزیده و منتظر فرصت بودند که ملک خود را به دست آورند.

بنابر روایت ابن اسفندیار، در عهد الب ارسلان (۴۵۵ تا ۴۶۶) اسپهبد قارن بن سرخاب تا اندازه ای موفق شد که بر مازندران مستولی گردد و قدرت خاندان وشمگیر رو به زوال نهاد. محل اقامت حکام باوندی، در کوهستان جنوب ساری، یعنی پایتخت سابق ایشان، واقع بوده است و معلوم نیست

این ابو الفوارس شهریار، در میان بزرگان دوران باوندی چه رتبه و مرتبه ای داشته با شهریار بن دارا که به دست وشمگیر کشته شد و سرخاب بن شهریار و قارن بن سرخاب وحسام الدوله شهریار این قارن سر سلسله ی شعبه ی دوم باوندیه چه نسبتی داشته است؟

بازدید آندره گدار از برجهای لاجیم و رسکت

آندره گدار باستان شناس فرانسوی، در سال ۱۹۳۳ میلادی به ایران آمده و درباره اینبنی باستانی این کشور مطالبی تهیه و در هشت جلد منتشر کرد و از آن جمله در جلد اول کتاب خود ضمن انتشار عکس گنبد لاجیم و رسکت تحقیقات خود را در چند صفحه بدین شرح منتشر کرد: «در پاییز سال ۱۹۳۱ دو زمین شناس سوئیسی، آقایان ارنی و با گسدورف که از سفر مطالعاتی در کوهستانهای مازندران بازگشته بودند عکسها و کروکیهایی را که از بنایی مشهور به امامزاده عبدالله تهیه کرده بودند در اختیار من گذاشتند. این بنا در نزدیکی قریه ای به نام لاجیم قرار دارد. عکسها و کروکیهای یاد شده نشان می داد که این بنای ناشناخته برج مقبره ای است نظیر برج رادکان غربی که ظاهراً به همان تاریخ تعلق دارد. قسمت فوقانی برج مزین به دو کتیبه ی مدور و مطبق است که یکی بخط کوفی و دیگری بخط پهلوی است. این عکسها فقط بخشی از متن کتیبه ها را نشان می دادند از این رو برآن شدم که به محل بروم و آنها را کامل کنم. در ماه مه سال ۱۹۳۳ بعد از دو کوشش ناموفق به تحقق این مهم نایل آمدم و توانستم به لاجیم برسم و عکسها و طرحهای ضمیمه این سطور را تهیه کنم. لاجیم در سواد کوه و شرق جاده ی فیروز کوه به شاهی (امروزه قائم شهر و در گذشته علی آباد) قرار دارد. از زیر آب به لاجیم که در شمال شرقی آن است برای پیاده تقریباً شش ساعت راه است. برج که احتمالاً مدفن این یاعی یا امیر است عمارتی است مدور که از داخل سقفی گنبدی و از خارج بامی بشکل مخروط دارد، یعنی بگونه معماری بسیار رایج که در صفحات شمالی ایران مدتهای مدید معمول بوده است. برج با آجرهای تراشیده ساخته شده. محیط آن در پایه ی ۲۶/۸۰ متر و قطر شبستان داخلی ۵/۴۷ متر است. از دری به پهنای ۱/۱۲ متر که در سمت شرق قرار گرفته می توان داخل بنا شد. قسمت فوقانی بنا با صفی از طاقکهای کوچک بشکل کنگره آذین شده است. در زیر این طاقکها دو کتیبه ای که اشاره شد قرار گرفته اند. کتیبه ها با آجر تراشیده و برنگ قرمز بر زمینی گچ سفید خود نمایی می کنند. مفاد کتیبه ای که بخط پهلوی نوشته شده هنوز کشف نشده است. کتیبه ی کوفی که بجز قسمت غربی آن، که سایش درختان مجاور به بخشی از آن صدمه زده، بقیه کاملاً سالم مانده و بخوبی می توان خواند، نام و القاب کسی را که مقبره برای او ساخته شده در اختیار ما می گذارد.



کتیبه های بازمانده ی پهلوی می توان به مزار نوشته ها اشاره کرد. این کتیبه ها بر سنگ مزارها سرپوشهای سنگی استودانها یا در کنار دخمه ها نوشته شده اند و خط به کار رفته در همه ی آنها گونه هایی از خط تحریری پهلوی است. در سده های نخستین هجری نیزگاه بر مقبره ی حاکمان تبرستان کتیبه هایی به پهلوی نوشته می شد که ترجمه ی عربی (به خط کوفی) نیز داشت.

در برج لاجیم. محیط پایه ی برج ۲۶/۸۰ متر و پهنای در ورودی آن که در سمت شرق برج واقع شده ۱/۱۲ متر است. این بنا در ۱۸ تیر ۱۳۱۱ شمسی در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده است. آندره گودار، باستان شناس فرانسوی، نخستین کسی بود که در سال ۱۹۳۳ میلادی عکسهایی از برج لاجیم و رونوشتی از کتیبه های آن فراهم آورد. گودار موفق به خواندن کتیبه ی پهلوی نشد. اما کتیبه ی کوفی را چنین خواند: بسم الله الرحمن الرحيم هذا قبر القیم الکيا الجلیل ابی الفوارس شهريار بن العباس بن شهريار مولى امير المومنين رحمه الله امر ببنائه ... فی سنه ثلاث عشره و اربعمائه عمل الحسن بن علی .

چنانکه مشاهده می شود، گودار نام سازنده ی برج را « الحسن » خوانده، اما در ترجمه ی فرانسوی آن را Husain ترجمه کرده است! (p. ۱۱۵). پس از گودار، ارنست هرتسفلد، باستان شناس آلمانی، قرائتهای دیگری از کتیبه ی کوفی و پیشنهادهایی برای قرائت برخی از واژه های کتیبه ی پهلوی ارائه کرد. قرائتهای پیشنهادی او چنین بود: ۱. قرائت اول: بسمله ... هذا قبر القبه الکيا الجلیل ابی الفوارس شهريار بن العباس بن شهريار مولى امير المومنين رحمه الله امر ببنائه السید الکريم ؟ محمد؟ بن الحسن؟ ... فی سنه ثلث عشر و اربع مائه عمل الحسين؟ بن علی؟ .

۲. قرائت دوم: بسمله ... هذا قبر القبه الکيا الجلیل ابی الفوارس شهريار بن العباس بن شهريار مولى امير المومنين رحمه الله امر ببنائه السنّه الکريمه چهارزاد بنت سلیا خور فی سنه ثلث عشر و اربع مائه عمل الحسين ؟ بن علی ؟؟

قرائت کتیبه پهلوی: این گنبد شاه توانمند شهريار بن عباس بن شهريار مولى امير المومنين (است). فرمود کردن (= ساختن) دخت راد (= بخشنده) سیسیور، چهارزاد مادر او . سال سیصد و هشتاد و نه، ماه آذر، روز سیندارمد.

چنانکه مشاهده می شود، تاریخ کتیبه روز سیندار مد (= پنجم) ماه آذر سال ۳۸۹ یزدگردی (= ۴۱۳ ق) است.



کتیبه پهلوی و کوفی برج لاجیم

نگارش متون چند زبانه در ایران سابقه ای بس دیرینه دارد و در این میان، متون چند زبانه ای که یکی از تحریرهای آنها پهلوی (فارسی میانه) است کم نیستند. کتیبه های به جا مانده از نخستین شاهنشاهان ساسانی غالباً سه زبانه یا دو زبانه اند و علاوه بر متن اصلی به زبان پهلوی ترجمه ی پارسی (پهلوی اشکانی) و یونانی یا فقط ترجمه ی پارسی نیز دارند و انگهی، پس از آنکه سپاهیان خسرو پرویز، در سال ۶۱۹ میلادی، مصر را به تصرف خویش در آوردند، آنچه در آن سرزمین به پهلوی بر پایپروس نوشته می شد، گاه ترجمه ی قبطی یا یونانی نیز داشت. حتی پس از ورود اسلام به ایران (در سال ۳۱ق/۶۵۱م) تا قرنهای نگارش به زبان پهلوی کماکان رواج داشت. متونی هم که در دوران اسلامی به پهلوی نوشته می شدند گاه چند زبانه



قسمتی از کتیبه پهلوی



قسمتی از کتیبه کوفی

بودند. تا آنجا که می دانیم، در یک مورد، متن پهلوی در کنار متن چینی و در یک مورد در کنار عبارتی کوتاه به ترکی کهن است. در مواردی نیز زبان عربی در کنار زبان پهلوی به کار می رفت. تنها کتیبه ی سه زبانه از این نوع تا کنون شناسایی شده لوحه ای مسین است که کتیبه ای کوتاه به پهلوی عربی و فارسی یهودی دارد. چند وزنه ی کتیبه دار نیز با نوشته هایی به دو زبان پهلوی و عربی یافت شده است. از میان پرتعدادترین انواع

قبه آورده شود. علاوه بر این اشکالات دیگری نیز وجود دارد. در خصوص تاریخ احداث بنا، به نظر می رسد که در انتهای متن کوفی آخرین حروف کلمه مائه به معنای صدها خوانده می شود ولی چیز دیگری از تاریخ باقی نمانده. با این همه اگر در مورد نام ماه که خیلی صدمه دیده ولی ظاهراً شوال خوانده می شود یقین حاصل کنیم با توجه به فاصله کمی که میان کلمه شوال و مائه باقی می ماند می توان گفت که تاریخ سال دقیقاً اربعمائه (۴۰۰) است. در واقع از نظر شکل معماری بنا، این تاریخ نمی تواند ۳۰۰ یا ۵۰۰ باشد.

می توان گفت برج رسکت، با توجه به نوع معماری و این که با برجهای رادکان غربی ولجیم در یک منطقه واقع شده، با آنها هم عصرست و به همراه آنها تشکیل گروه بناهای غیر قابل تفکیکی را می دهد که گرچه اسلامی هستند ولی با کتیبه هایی به زبان پهلوی آذین شده اند. این برج بدون شک نظیر آن دو دیگر، آرامگاه یکی از امیران خاندان باوند می باشد. امیرانی که توسط قابوس بن وشمگیر به کوهستانها رانده شده بودند و میان سالهای ۳۹۷ و ۴۶۶ هجری در این منطقه می زیسته اند.

پوشش گنبد لاجیم

در میان انواع پوششهای بیرونی گنبدها (خود) نوعی از پوشش خود اجرا شده که ترکیبی از شکم گنبد نار و تیزه گنبد رک است یعنی گنبد رک را روی گنبد نار سوار کرده اند از این نوع گنبدها در شمال و شمال غرب ایران زیاد دیده می شود در شرق ایران نیز نمونه هایی دیده می شود اکثر این گنبدها تا ارتفاع معین شبدری است ولی ادامه آن تا تیزه به جای خط منحنی خط راست است. گنبد رسکت و گنبد لاجیم در مازندران، گنبد چهل دختران در دامغان که بسیار دست نخورده باقی مانده، گنبد پیر تاکستان که قسمت بالایش را در تعمیر مجدد غلط بازسازی کرده اند از نمونه های این نوع گنبدند.